

کتیبه برج مقبره‌ای بسطام*

تحلیلی از نوشتاری تاریخی در دوره ایلخانی

نوشته: SHIELA BLAIR - دانشگاه هاروارد

برگردان: محمد ابراهیم زارعی

ناصرالدین شاه، یعنی صنیع الدوله: شرح و توضیحات مفصلی از بسطام منتشر نمود، که شامل ویژگیهای مسجدجامع آن بوده، و به برج کنار آن نیز که به نام کاشانه معروف بود، اشاره داشته است، و لیکن فاقد هرگونه نشانه‌ای از کتیبه معروف آن بود.^۲

در اوایل قرن بیستم، وی. جکسن از شهر مزبور بازدید به عمل آورد، و برج را توصیف کرده و به آنچه که قریزر درخصوص تاریخ آن و سلطان غازان خان بیان کرده بود،^۴ اشاره نموده است. به هر حال نخستین کسی که اقدام به ترجمه کتیبه مزبور کرده ارنست هرتسفلد بود که در سفرهای خراسان، در سال ۱۹۲۱ میلادی، از شهر بسطام یاد کرده و بنای برج را به سالهای ۵۵-۵۰ ه‍.ق / ۵۵-۱۱۵۶ میلادی یا پس از آن نسبت داده است. او ادعای خانیکوف را مبنی بر اینکه محتوای کتیبه شامل آیات قرآن بوده، رد کرد و سطر پایینی آن را چنین خواند:^۵

«شاه[ن]شاه...الموید... غیاث الدنیا و [الدین]...الاسلام و [المسلمین]...العدل»

- این قرائت به اضافه کلماتی که در [] آمده در کتاب Chrono^۲logiqueAr^۴(Re abc)^۱pertoire Epigra^۳phic مربوط به سال ۶-۱۱۵۵ م / ۵۵ ه‍.ق در جلد نهم که در سال ۱۹۳۷ میلادی منتشر گردید، اشاره شده است.

یک برج مقبره‌ای بلند مضرس (دندانه‌دار) در مجاورت مسجد جامع شهر بسطام خودنمایی می‌کند. در قسمت زیر قرنیز، در بخش فوقانی برج کاشانه، دو ردیف نوشته بدون لعاب و گچبری شده که توسط دو شاخه‌های آبی رنگ تزئین شده‌اند، ملاحظه می‌شوند. این کتیبه که به خط کوفی تحریر شده، به حق یکی از شاهکارهای هنر خطاطی تلقی شده؛ و بی‌شک یکی از عالی‌ترین نمونه‌های خط کوفی مربوط به عصر ایلخانان به شمار می‌آید. علاوه بر مزیت خطی این یادگار (یادمان) مؤید نقش، تاریخ و کاربرد این بنا بوده است.

چندین نفر از سیاحان (سفرنامه‌نویسان) که در خلال قرن نوزدهم، از ایران عبور کرده‌اند، درباره این برج و کتیبه آن اشاراتی داشته‌اند.

جی.ب.فریزر^۱ در توصیف مربوط به سال ۱۸۲۱ م خود یادآوری کرده که، کتیبه اطراف در نزدیک محراب بسیار خوانا و واضح بوده، و گفته می‌شود که این کتیبه در سال ۷۰۴ ه‍.ق مصادف با ۱۳۰۰ م توسط محمد بن حسین بن ابی طالب و به دستور سلطان ایلخانی به نام غازان خان نوشته شده است.

دانشمند روسی، زیکلاس خانیگف که حدود سی سال بعد (۱۸۵۸)، از بسطام گذشت؛ به هم فشردگی حاصله از چند نوار به هم بافته شده کتیبه کوفی بر روی مضرسهای برج مقبره‌ای اشاره کرده و چنین نتیجه گرفته که آن کتیبه، صرفاً حاوی یک نیایش مذهبی است، ولی از تاریخ آن اطلاعی در دست نیست.^۲ در دهه ۱۸۸۰ میلادی وزیر امور اخبار و نشریات دولت

#. SHIELA BLAIR, ART ET SOCIÉTÉ AND LE MONDE IRANIEN; NO 26. PP 263.

هیئت‌های باستانشناسی و عکاسان متعددی در دهه ۱۹۳۰ میلادی از بسطام دیدن نمودند. آرتور اپهام پوپ، برای نخستین بار گزارش داد که فرج‌الله بذل کتیبه تاریخی مزبور را خوانده و به این نتیجه رسیده که برج فوق به قرن ششم هجری همزمان با قرن دوازدهم میلادی مربوط می‌شود.^۶ وی در کتابی تحت عنوان «بررسی هنر ایران» به سال ۴۰-۱۹۳۹ میلادی توصیف مشروحی از هر دو سطر کتیبه کوفی آبی‌رنگ که روی یک زمینه گچبری شده ارائه داده است. در مورد سطر فوقانی، وی معتقد بود که عمدتاً مربوط به آیات قرآنی است و لیکن شامل نام محمد بن الحسین الدامغانی نیز بوده، در حالی که سطر زیرین بیشتر محتوای تاریخی داشته، ولی قابل خواندن نیست.^۷ او همچنین به اظهار نظر فریزر درباره کتیبه غازان خان (۷۰۰ هـ / ۱۳۰۰ م) واقع در اطراف سردر نیز توجه نموده است. به هر حال، تصویر و نمایش برج مقبره‌ای برای او تاریخی معادل ۷۱۳ هـ / ۱۳۱۳ میلادی تداعی می‌نمود. در کتاب هنر ایران آندره گدار سریعاً به این نتیجه دست یافت که تاریخ اخیر باید غلط باشد، و چنین اندیشید که نام محلی برج یعنی «کاشانه» احتمالاً نوعی قلب و تحریف واژه و نام «غازانه» بوده است.^۸

پوپ و گروه وی، به‌طور مستند و گسترده‌ای روی کتیبه کار کرده، و بنابر این وی و مسیو گدار بخشی از متن کتیبه را در جلد ۱۳ کتاب فرانسوی R.C.E.A به سال ۱۹۴۴ میلادی منتشر نموده است.

«بسم الله ۴- ۱، ۴۸ قرآن. عمل محمد بن الحسین الدامغانی غفرالله و لوالديه ولجميع المؤمنين.... فی منتصف شوال سنة سبعمائه.»
بسم الله الرحمن الرحيم قرآن ۴۸: ۴- ۱ عمل محمد بن حسین دامغانی خدایم او و خانواده و پدر و مادرش را ببخشاید.... در نیمه ماه شوال سال ۷۰۰ هـ ق مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۳۰۱ میلادی»^۹
دونالد ویلبر در توصیف عمارات و ساختمانهای موجود در بسطام در گزارش مختصری درباره معماری دوره ایلخانان در ایران جزئیات بیشتری را از کتیبه مزبور فاش ساخته است.^{۱۰} به اعتقاد او مسجد جامع و برج آن جزئی از یک اردوگاه نظامی متعلق به حکومت غازان خان بوده‌اند، لکن اشاره می‌کند که فقط نام محمد بن الحسین در کتیبه خوانده شده بود، و رقم تاریخی ۷۰۰ هـ / ۱۳۰۰ میلادی نیز بخشی از کتیبه است که روی درگاه یا راهرویی که از مسجد به برج منتهی می‌شود، دیده شده است.

نهایتاً، عبدالرفیع حقیقت در پژوهشهای خود از شهر بسطام در کتاب تاریخ قومس مطالبی ارائه داشته، و کتیبه برج را که توسط محمد تقی مصطفوی و آندره گدار پس از بازدید و بررسی که در سال ۱۳۱۶ شمسی / ۱۹۲۷ میلادی از این شهر داشتند خوانده‌اند، در آن کتاب آورده است.^{۱۱} این نوشته در برگیرنده این مضمون بود که لقب سلطان و نام هنرمند محمد بن حسین ابن ابی طالب دامغانی و تاریخ آن به سال ۷۰۰ هـ ق بود.

بطور خلاصه، اختلافات و پیچیدگیهای بسیار در پیرامون مضمون و ویژگیهای کتیبه حاشیه بالای برج کاشانه بسطام وجود دارد. ترجمه این کتیبه محتوی القاب عجیب، آیه‌ای از قرآن، امضاهایی از هنرمندان و چندین نوع تاریخ متفاوت می‌باشد. در واقع این کتیبه عبارت از یک متن پیوسته و متصل به هم است. سطر فوقانی آن تشکیل شده است از یک آیه از قرآن و امضاء نویسنده هنرمند آن و تقریباً همان مفهومی را دارد که در کتاب R.C.E.A قسمت اول ذکر شده است.

بسم الله، قرآن، ۴۸، ۷- ۱. عمل محمد بن حسین دامغانی انشاء الله خداوند او را و والدین او را و همه مؤمنین را مورد بخشش و عفو قرار دهد.

تنها اشتباهی که در کتاب R.C.E.A ملاحظه می‌شود، صرفاً مربوط به شماره آیات قرآنی از ۴- ۷ است. سطر تحتانی کتیبه که باده عدد کاشی منقوش در سمت چپ سطر فوقانی شروع می‌شود، دارای مفهوم تاریخی بوده و شامل نام و لقب حاکم وقت که برج، برای او ساخته شده است، می‌باشد. تاریخ و نام و امضاء یک نویسنده هنرمند دیگر نیز در آن به چشم می‌خورد.

ساختمان این بنا بفرمان قدر قدرت، قوی شوکت، سلطان بزرگ، همایون شاهنشاه، سرور تمامی خلق،^{۱۲} حافظ زمین خدا، حامی بندگان خدا، کسی که مؤید کمک و نظر خداست، غیاث الدنیا والدین، ستون اسلام و مسلمین، در هم کوبنده دشمنان و یاغیان، سایه خدا در جهان، فرمانروای مشرق زمین و چین، پادشاه مردم سرزمینهای دور، کسی که از امدادهای خاص خدای جهان بهره‌مند بود. خدا بنده محمد خان بن خان که خدایش او را و پیروزیهایش^{۱۳} (پانل ۱) را رفیع و بلند مرتبه‌تر نماید و انشاء الله، خدایش سلطنت او را جاودانه و بدخواهان و دشمنانش را مغلوب و سرکوب فرماید. برآی آنکه پسرش^{۱۴}، خاک آستان ایلخانان فرزند شهید فرخنده یعنی بوقا؟ شال؟ سلطان محمد که خدایش

۱	بسم الله و یدخله	۲	الرحمن الر بحبوحه	۳	حیم انا فتحنا جنااته فی	۴	لك فتحا مبینا شهر الله
۵	لیغفر لك الاصم رجب	۶	الله ما تقدم عم (sic) ثمنه	۷	من ذنبك و سبعمائه	۸	و ما تاخر بن ابی طالب عمل حسین
۹	و یتم نعمته المهندس الدامغانی	۱۰	علیک و یهد امر ببناء هذه	۱۱	یک صراطا القبة المباركة	۱۲	مستقیما و العالیه الشریفه
۱۳	ینصرک الله السلطان	۱۴	نصرا عزیزا المعظم	۱۵	هو الذی شاهنشاه	۱۶	انزل السکینه الاعظم
۱۷	فی قلوب مالک رقاب	۱۸	المؤمنین فی (sic) الامم	۱۹	لیزدادوا حافظ بلاد	۲۰	ایمانا مع الله ناصر
۲۱	ایمانهم و عباد الله	۲۲	لله جنود المؤید	۲۳	السماوات بنصر الله	۲۴	و الارض غیاث الدنیا و
۲۵	و کان الله الذین رکن	۲۶	علیما حکیما الاسلام و	۲۷	لیدخل المسلمین	۲۸	[المؤمنین] قامع العداة
۲۹	و المؤمنات و المتمر	۳۰	[والمشرکین] دین ظل	۳۱	و المشرکات] الله فی	۳۲	انهار خا العالمین
۳۳	لذین فیها سلطان ا	۳۴	و یکفر عنهم رض الشرق	۳۵	سیاتهم و و الصین	۳۶	کان ذلک ملك عباد

۴۰ بسم الله (sic) العالمين	۳۹ و يعذب بغاية رب	۳۸ فوزا عظيما المخصوص	۳۷ عند الله الخافقين
۴۴ الظانين بالله اعز الله	۴۳ و الشركات ن بن خان	۴۲ و المشركين محمد خا	۴۱ و المنفقات خدابنده
۴۸ و غضب الله ملكه و	۴۷ يرة السؤ خلد الله	۴۶ عليهم دا انصاره و	۴۵ ظن السؤ الله في (sic)
۵۲ جهنم و لده قرة	۵۱ اعد لهم لاجل و	۵۰ لعنهم و و عدوه	۴۹ عليهم و كيد حساده
۵۶ و كان الله الشهد	۵۵ السموات و الارض الطفل السعيد	۵۴ ولله جنود لة الخانية	۵۳ ساعت مصيرا عتبة سالا (sic)
۶۰ المؤمنين ولوالديه ولجميع بغفرانه	۵۹ الله له الدامقاني غفر تغمده الله	۵۸ الحسين عمل محمد بن سلطان محمد	۵۷ عزيزا حكيم سوما سال (?)

ابی طالب و فرزند او محمد و ۷ آیات قرآنی ۷-۱، سوره ۴۸ که هر یک از این موارد را بطور جداگانه تجزیه و تحلیل نموده‌ام:

I - تاریخ کتیبه:

پانلهای ۷-۳ واقع در سطر تحتانی کتیبه حکایت از آن دارند که برج مورد مطالعه در ماه خدا رجب الاضم سال ۷۰۸ هـ ق سفارش داده شده که برابر با ماههای دسامبر و ژانویه میلادی می‌باشد. در منابع مشرق زمین ماه رجب، هفتمین ماه، اغلب

بیامرزد، در جنت فردوس قرین خود گردانند. در ماه رجب الاضم سال ۷۰۸ (دسامبر ۱۳۰۸ میلادی / ژانویه ۱۳۰۹ م) عمل حسین بن ابی طالب مهندس دامغانی.

علی‌رغم نظرات متفاوت مطرح شده دو کتیبه موجود توأماً یک متن را تشکیل می‌دهند که با I تاریخ ماه رجب سال ۷۰۸ هـ ق / دسامبر ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ ژانویه. II - نام شاه ایلخانی سلطان الجایتو III - شخصی که آرامگاه برای او ساخته شده است. پسر او، (برای پسر سلطان محمد الجایتو) IV - نامهای هنرمندان حسین بن

بوسیله صفتی دال بر خاموشی (The deaf) توصیف می‌شود. لکن این یکی از نمودهای کتیبه‌ای نادر آن است.^{۱۵} مطلب قابل توجه، کاربرد واژه am / عام (صحیح‌تر آن ām) برای کلمه سال است. اگر چه این عادت از شیوه کتابت در شمال آفریقا است، لکن ندرتاً در شرق دنیای اسلام بکار می‌رفته است.^{۱۶} هیچ نمونه دیگری را نیز از مشرق زمین به خاطر نداریم و استعمال مقطعی آن در اماکنی نظیر مکه یا اورشلیم را می‌توان شبیه آنچه که توسط زائرین غربی بکار برده شده توجیه نمود، استعمال مفرد آن در اینجا، میزان تأثیر و نفوذ آداب و سنن خطاطی و کتابت آفریقای شمالی را تداعی می‌کند.^{۱۷} اگرچه این موضوع پیش از این ثابت نشده با این حال چنین رخدادی کاملاً غیرمحمّل نبوده و حاکی از شرایط بین‌المللی قلمرو مغولان در ایران بوده است. جهانگرد مراکشی ابن بطوطه که در ربع دوم قرن هفتم هجری از بسطام دیدن کرده، در مسافرخانه‌ای در آنجا اقامت داشته است.^{۱۸} وزیر اعظم ایلخانان، رشیدالدین که از تبحر و توان وی آگاه شده بود، وی را برای کار روی کتیبه‌های مغربی در تشکیلات دولتی آن روز استخدام نموده بود.^{۱۹} با همه ویژگیهای خاص این برج، تاریخ رجب سال ۷۰۸ هـ.ق به ما امکان در نظر گرفتن آن در جایگاه سنن خویش، که به عبارتی سومین سال حکومتی حکمران ایلخان محمد خداپنده الجایتو می‌باشد، را می‌دهد.

II حکمران:

صاحب، برج مقبره‌ای بسطام هشتمین حاکم ایلخانی در ایران یعنی محمد خداپنده الجایتو - (۷۰۳ هـ.ق تا ۷۱۶ هـ) بوده است.^{۲۰} در سال ۷۰۱ هجری برادرش و فرمانروای پیشین، غازان خان او را به سمت فرماندار خراسان تعیین نمود تا سرحدات شرقی را از خطر تهدیدات فراوان آن زمان محافظت نماید، پس از بازگشت از این مأموریت در سال ۷۰۳ هـ.ق الجایتو ادعای فرمانروایی تمام ایران را علیه برادرش غازان خان نموده و تا سال ۷۱۶ هـ.ق که در سن ۳۳ سالگی در اثر عارضه کبدی ناشی از مصرف بیش از حد مشروبات الکلی از دنیا رفت، این سمت را حفظ کرد.

سلطنت الجایتو نه تنها باعث تحکیم مبانی اقتصادی و منافع مادی کشور شد، بلکه باعث تقویت نظامی و پایه‌های حکومت امپراطوری ایلخانان گردید. از یک سو الجایتو از جنگهای

بی‌حاصل دوری بسته و لشگرکشی او به گیلان در سال ۷۰۶ منجر به فتح و پیروزی گران و بی‌فایده‌ای شد. تنها تهاجم او به سرزمین مملوک در سال ۷۱۳ هـ.ق بود که به یک عقب‌نشینی زودرس منجر شد. لیکن انتقال و گرفتاری اصلی او مربوط به سرحدات شرقی کشور بود. در سال ۷۰۶ هـ.ق یک فوج مغولی به منظور رام (مطیع) نمودن والیان سرکش هرات وارد عمل شدند. در سال ۷۱۲ هـ.ق او سرزمین نیگوداری واقع در جنوب افغانستان را ضمیمه قلمرو خود نمود، لذا از آن پس موجب تحریک حملات ایدائی جغتائی گردید. هزینه لشکرکشی او از خراسان چنان سرسام‌آور بوده که باعث جدایی دو وزیر اعظم یعنی رشیدالدین و تاج‌الدین علیشاه گردید، و احتمالاً عامل کاهش ارزش پولی دولت الجایتو در سال ۷۱۳ هـ.ق / ۴ - ۱۲۱۳ میلادی گشت.^{۲۱} سیاست مذهبی الجایتو نیز چندان ثابت و یکنواخت نبود. او نخست مذهب خود را از فرقه‌ای در مسیحیت، بودائیسیم تغییر داد و سپس در انتخاب فرقه‌های مختلف اسلامی مردد ماند. در سال ۷۰۹ هجری او شیعه شد. این اقدامات به دنبال تغییری در نحوه ضرب سکه‌های حکومتی و افزودن یک محراب یا شکوه به مسجد جامع اصفهان یکی از مراکز اصلی مقاومت اهل تسنن تأیید گردید.^{۲۲}

علی‌رغم بی‌ثباتی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی، حکومت الجایتو از خود ساختمانهای بزرگ و لشگرکشیهای گسترده‌ای به جا گذاشت که احتمالاً در اثر اصلاحات اقتصادی غیر واقع‌بینانه خاندان سلف وی بوده است.^{۲۳} مدارک ادبی باقیمانده حاکی از ارادت و علاقه خاص غازان خان به احداث ابنیه بوده است. بعنوان مثال؛ وی دستور داد که یک باب حمام و یک واحد مسجد در هر ولایت احداث گردد. این اقدام نه تنها بیانگر وابستگی او به هنر معماری را نشان می‌دهد، بلکه سیاست اجتماعی او را در برنامه‌های عام‌المنفعه^{۲۴}، منعکس می‌سازد. در هر حال از اقدامات ساختمانی غازان خان تقریباً هیچ اثری باقی‌مانده است، و این موضوع شامل مجموعه تشریفات و حومه آن در تبریز به نام غازانیه^{۲۵} نیز می‌شود، در عوض کار و اثر الجایتو بویژه مقبره‌ای در سلطانیه یکی از بهترین شواهد موجود از شکوه و تکنیک معماری ایلخانان می‌باشد.^{۲۶}

کتیبه در سال ۷۰۸ هـ.ق / ۹ - ۱۲۰۸ میلادی بسطام نمونه خوبی است، برای هویدا نمودن عظمت و جلال الجایتو؛ و تحلیلی

از این القاب را به دست می‌دهد. همین‌طور مقایسه‌ای است، باالقاب موجود در سایر آثار باستانی، متون و سکه‌های (پیشین)؛ و بالاخص بیانگر عقیده و ایدئولوژی حاکم بر هنر این گونه ساختمانها و موقعیت تاریخی عصر مورد اشاره است. اغلب عناوین و القاب نشان دهنده تمایل تدریجی شهریاران مغولی به ایرانیّت و فارسی‌گرایی است. به عنوان مثال غازان‌خان همواره به عنوان خاقان روی سکه‌هایش معرفی می‌شد،^{۲۷} در حالی که الجایتو گاهی خاقان و گاهی ایلخان نامیده می‌شد. در این کتیبه به عنوان «شاهنشاهی» نیز اشاره دارد، این عنوان در نسبت امپراطوری ایران، اولین بار توسط آل‌بویه و دیلمیان و به منظور بزرگ جلوه‌دادن قیام ایرانیان علیه اسلام اعراب (تبعیض‌نژادی اعراب: مترجم) و خلفای آنها استفاده شده، این عنوان سپس به غزنویان و سلجوقیان منتقل و در میان سلاطین مسلمان ایرانی متداول گردید.^{۲۸} بطور مثال، عنوان «ملك الرقاب الامم» (مالک و ارباب نفوس و مردم) نیز لقب دیگری بود که ابوالکالیجار بویه‌ای بدو^{۲۹} به دنبال جلوس خلیفه عباسی «القائم» در سال ۴۲۲ هـ/ق / ۱۰۳۱ میلادی برگزیده شده بود، و نماینده خلیفه به هر حال از پذیرفتن این لقب خودداری کرده زیرا تصور می‌کرد که این لقب صرفاً برازنده خلیفه است.^{۲۹} این لقب رفته‌رفته برای پادشاهان ایرانی و مسلمان جا افتاده و روی سکه‌های نوع B و C زمان الجایتو و نیز آثار فلزی (۷۱۶-۷۰۹ هـ/ق / ۱۶-۱۳۰۹ میلادی) و متون ادبی آن زمان دیده شد.^{۳۰} پسر الجایتو و فرزند خلف وی، ابوسعید نیز از این لقب استفاده کرد،^{۳۱} این ایرانی‌گرایی فزاینده را در آثار تشریفاتی الجایتو از جمله ایوان شرقی بسطام (۷۱۳ هـ. ق / ۱۳۱۳-۴ میلادی) جایی که وی عناوینی همچون «اسکندر دوم» و خسرو ایران» را به نوشته‌ها اضافه کرده، ملاحظه می‌کنیم.^{۳۲}

سایر القاب اطراف برج بسطام اشاره به دفاعیات الجایتو از حریم اسلام دارد، این موارد را می‌توان در لیست عناوین او که توسط مداح و وقایع‌نویس رسمی او یعنی ابوالقاسم الکاشانی قید شده، و در کتیبه طولانی‌تر سال (۷۱۳ هـ/ق / ۴-۱۳۱۳ میلادی) بسطام تکرار شده، ملاحظه نمود.^{۳۳} همین‌طور این نوشته‌های تاریخی از طرز تفکر الجایتو نسبت به نقش یک حکومت اسلامی و وابستگی و پیوند فزاینده وی با فرقه‌گرایی اسلامی و بالاخره تغییر مذهبی وی به شیعه در سال (۷۰۹ هـ. ق / ۱۳۰۹ میلادی)

حکایت می‌کند.

در هر حال این عناوین بیانگر دو نوع تأکید غیرمعمول می‌باشد. نخست نقش الجایتو به عنوان درهم کوبنده دشمنان در جمله «شکست‌دهنده دشمنان و یاغیان» و به دنبال آن نیایشی به درگاه خداوند مبنی بر رفع شر حسودان و بدخواهان. توضیحاً در مورد این دو عبارت باید یادآور شد که متحمل است، این عبارات منحصرأ در بسطام بوجود آمده باشند. عبارت زیر را می‌توان به سادگی به عنوان یک متغیر و جایگزین عناوین الجایتو در مورد دفاعیات او از اسلام تعبیر کرد. زنگیان (zangids) نیز مجموعه‌ای از القاب را همچون «درهم کوبنده یاغیان، مرتدین، کافران و مشرکین در ضرب سکه‌هایشان بکار می‌بردند.^{۳۴} به هر حال عبارت مشابه از دوره ایلخانان را در کتیبه‌هایی که حاوی نام و القاب ابوسعید در اطراف حوضچه برنزی بزرگی که به نام نیشان تاسی (Nisan - Tasi) نامیده می‌شود، ملاحظه می‌کنیم.^{۳۵} درست شبیه دومین وزیر فاطمیون و فرمانده لشکر آنها، بدرالجمالی، نیایش مشابهی را در کتیبه‌ای واقع در فونداسیون (پایه) بنای مشهدجویوشی (Mashhad jugushi) روی تپه‌های مقدم (Muqattam Hills) مشرف به شهر قاهره نوشته است.^{۳۶} در هر صورت سه مبحث قابل بررسی است: این حقیقت که این نوع کتیبه‌ها عمومیت چندانی نداشته است. دیگر اینکه این نوع کتیبه‌ها را در هر جای دیگری از قلمرو الجایتو نمی‌توان مشاهده کرد، و بالاخره این مطلب تکراری در کتیبه‌ها مبنی بر قلع و قمع دشمنان. این حقایق بیانگر این نظریه‌اند، که این گونه عبارات دارای یک مفهوم خاص بوده و بیشتر، دشمنان عمومی دین اسلام می‌باشند. در یک روش مشابه آقای الگربار (Oleg Gerobar) مشهد بدرالجمالی را براساس این لقب و دیگر واژه‌های گلچین قرآنی شامل سوره ۴۸: آیات ۵-۱، (همان کتیبه‌ای که در بسطام یافت شده) به عنوان یک بنای یاد بود از یک حادثه خاص: یعنی پیروزی بدرالجمالی علیه سرکشان و یاغیانی که حکومت فاطمیون را به ستوه آورده بودند، تفسیر نموده است.^{۳۷} دو مرجع ایلخانی که اشاره به دشمنان داشتند روی حوضچه نیشان تاسی و کتیبه سنه ۷۰۸ هـ. ق بسطام را می‌توان به همین صورت و به عنوان مراجع مستحکمی برای توجیه رخدادهای خاص آن زمان مورد تفسیر قرار داد. اشاره به نمونه‌ای همچون نیشان تاسی که یکی از بزرگترین ظروف (احتمالاً به اندازه یک

پاتیل) قرون وسطی تلقی می‌شود. می‌توان تا حدی موضوع هدف و تاریخچه این اثر تاریخی پر از مسئله و ابهام را روشن نماید. این حوضچه یا پاتیل هم‌اکنون در قونیه نگهداری می‌شود و آناتولی (ترکیه) جایی بود که ابوسعید دائماً درگیر جنگ رخشونت با حاکمان و وزیران متمرّد بوده است. حکمران ایلخانی، تیمورتاش، پسر «چوپان» یکی از عالی‌مقام‌ترین فرماندهان ایلخانی، چنان قدرتمند شده بود که در سال ۷۲۲ ه‍.ق / ۱۳۲۲ میلادی سر به شورش گذاشت.^{۳۸} و خود را (مهدی) خواند و به ضرب سکه‌های جدید پرداخت و به نام خود خطبه خواند. ابوسعید «چوپان» را به منظور سرکوب این غائله اعزام نمود، علی‌رغم بارش برف‌سنگین در زمستان آن سال، چوپان موفق شد فرزند سرکش خود تیمورتاش را مهار کرده و به بارگاه ایلخان آورد؛ و موجبات عفو و بخشش او را فراهم نماید. این اقدام احتمالاً موجب ضرب سکه جدیدی با نقش یک قاب کتیبه (برای کتیبه‌نویسی) توسط ابوسعید گردید.^{۳۹} در ارتباط با مرجع و نشانه خاصی که از پاتیل یا حوض نیشان‌تاسی و مفهوم جمله «درهم کوبنده سرکشان» بر می‌آید، می‌توان چنین استنباط کرد که، دلیل تحریر آن لزوم احداث یک بنای یاد بود پیروزی ابوسعید در قلع و قمع نمودن تیمورتاش بوده است.

پیکرنگاری و حکاکی روی پاتیل مورد اشاره، مؤید این نظریه است.^{۴۰} پنج مورد از شش مدال یا نشانه موجود روی آن، پیکر به تخت نشسته‌ای را در یک حالت وژست شکوهمندانه ترسیم نموده‌اند که یک گل یا کمان را در بر گرفته و یا توسط یک جفت پرند احاطه شده است، همانطوری که بائر (Baer) تأکید می‌کند، بندگان (خدمتگزاران) بطور غیرعادی و غیر معمولی از نظر مقیاس کوچک هستند، و لذا تأکید بر اهمیت شخصیت و عالی مقام مملکتی را دارد. به علاوه عنوانهای حک شده روی حوضچه نیشان‌تاسی مجدداً تنظیم و نوشته شده است. حد اعلای سلسله القاب مرکب از اسم (نام شخصی) حاکم که به دنبال آن یک دعای خیر و نسب او آمده، مرسوم است. روی حوضچه نیشان‌تاسی انتظار دیدن نام ابوسعید را داشتیم که به دنبال آن نیایشی همچون خلد ملکه و نسب وی آمده باشد، در عوض واژه اسم (ism) در میانه کتیبه ذکر شد، و چندین لقب مرکب به دنبال آن آمده است. این تغییرات به ظاهر عمداً تنظیم شده تا با بخشهای کروی کتیبه هماهنگی بیشتر داشته باشد.^{۴۱} یا به عبارت دیگر

بخشهای کروی بیانگر القاب خاصی هستند بعنوان مثال؛ اولین نشانه تزئینی که یک شاهزاده بر تخت نشسته را در حالی که دسته‌ای گل به دست گرفته نشان می‌دهد، در واقع سطر آغازین کتیبه را تشکیل داده «شکوه و عظمت بر سلطان بزرگ باد». دومین نشان مورد بحث «دو مرد جوان را تصویر کرده که مرد سمت راست یک چوبدستی و یک دستمال به دست دارد، و مرد دیگری شمشیری را با دست بلند کرده است. القاب مربوطه نیز اشاره به ابوسعید و برداشتهای او از مفهوم عدالت، آزادی و حمایت از مسلمین دارند. نشان C تصویری از شخصیت بر تخت نشسته‌ای را تصویر کرده که در بالای آن شیرهایی حک شده‌اند. این شخصیت دارای شمشیری است که دستانش را به علامت خدمت و بندگی یا اطاعت و فرمانبری باز کرده، نقش شده است. این نشان درست بلافاصله بعد از لقب «درهم کوبنده سرکشان و یاغیان» آمده است. شاهزاده جوان در این نشان بی‌ریش و سیل بوده، و به ظاهر نوجوان به نظر می‌آید. این ویژگی ضمناً اشاره به یک واقعه خاص و منحصر به فرد برای ابوسعید در زمان منکوب و مغلوب نمودن تیمورتاش دارد که در آن موقع وی یک نوجوان بوده است.

مشابهاً، دلالت و اشاره به دشمنان در بسطام ممکن است. به دلیل بروز یک واقعه خاص بوده، و موقعیت داخلی امپراطوری را تحت حکومت الجایتو نشان داده و بیانگر راه و روش حکمرانی وی باشد. لقب و عنوان روی برج کاشانه سنه ۷۰۸ ه‍.ق احتمالاً اشاره به لشکرکشی اخیر الجایتو علیه حاکم گیلان در شوال ۷۰۶ ه‍.ق / ۱۳۰۷ میلادی را دارد، که به عبارتی مهمترین حرکت نظامی سالهای قبل به شمار آمده است. این عنوان یک بیانی (قطع) ماهرانه و تبلیغی تلقی می‌شود. زیرا جنگ یکی از عادات مستمر و خشونت‌آمیز مغولان محسوب شده و جنگ گیلان تقریباً تمام آنچه را که مهاجمان به غنیمت برده بودند، جبران نمود. با این وجود، این لشکرکشی باید از نقطه نظر روانی یک پیروزی مهم تلقی شده باشد. در تصویر مشابهی از یک رخداد که حدود ۳۰ سال بعد نقاشی شده، می‌توان به کتاب شاهنامه دموت اشاره نمود.^{۴۲}

از دیگر یادگارهای غیرعادی زمان الجایتو (نوشتارهای خطی) در بسطام «عبارت فرمانروای مشرق‌زمین و چین» است، در حالی که این عنوان توسط حاکمان متعددی در هندوستان به

۳- شخصی که مقبره برای او بنا شد:

الجایتو این مقبره را برای پسرش (ولید) که عبارت «خاک آستان فرزند ایلخانی» در حق او نوشت بنا نمود. دیگر شاهان ایرانی نیز از این عبارت استفاده می‌کردند. شاه عباس صفوی خود را خاک آستان خط پیامبر می‌دانست.^{۴۷}

هنوز علی‌رغم شناسایی شخصی بعنوان فرزند الجایتو، شناخت نام او در هاله‌ای از ابهام است. پاتل شماره ۵۷ باید دارای نام شخصی آن بچه (اسم / ism) باشد و رابطه او را با سلطان محمد خدا بنده (الجایتو) نشان بدهد. ارتباط مورد انتظار باید واژه ابن (پسر) باشد، اگر چه این واژه گاهی در کتیبه‌های یاد بود، حذف می‌شود. به هر حال نامهای موضوع پاتل شماره ۵۷ فاقد هرگونه شباهت لغوی با نامهای پسران الجایتو که در متون معاصر آمده، می‌باشند. علاوه بر جانشین او ابوسعید، الجایتو براساس گزارشات متعدد چهار پسر دیگر داشت، که در کودکی از دنیا رفتند.^{۴۸} یکی از آنها ابوالخیر پسر ششمین همسر الجایتو، یعنی الجاتای بود، وی برای ما حائز هیچگونه اهمیتی نیست، زیرا در مقبره غازان در تبریز^{۴۹} دفن شده است. سه پسر دیگر نیز فرزندان سومین همسر الجایتو، ایلزمیش بودند که به نامهای بسطام، بایزید و طیفور نامیده می‌شدند، و به قول کاشانی وجه تسمیه آنها، ارادت به الجایتو به صوفی مشهور شیخ ابویزید (بایزید) طیفور عیسی البسطامی داشت.^{۵۰} یک مرحله حذف و محو کردن معرف شخصی است که مقبره به نام وی منظور شده است. دو پسر بزرگتر یعنی بسطام و بایزید هر دو پس از بنای برج در رجب سال ۷۰۸ هـ / دسامبر ۱۳۰۸ و ژانویه ۱۳۰۹ میلادی از دنیا رفتند.^{۵۱} لذا جوانترین فرزند ایلزمیش یعنی محمد طیفور محتمل‌ترین نامزد مورد ظن برای دفن در بسطام به شمار می‌رود. وی در جمادی‌الاول سال ۷۰۵ هـ / دسامبر ۱۳۰۵ میلادی به دنیا آمد و جوانمرگ شد، گو اینکه هیچ تاریخ مشخصی از او داده نشده است.^{۵۲}

اکنون ما بطور می‌توانیم نام محمد طیفور را با تصویر شماره ۵۷ تطبیق دهیم؟ گونه‌ای تلفظ امکان‌پذیر از اولین واژه و لغت این تصویر کلمه «بوقا (بوکا) است که یک واژه مغولی برای (یا به جای) فرمان و یا یک نام معمولی است. مثلاً به هنگام تولد الجایتو خودش «الجای بوقا» نامیده می‌شد. بعداً احتمالاً به منظور ترساندن چشم شیطان، نام وی به تیمور (آهن) و سپس به خربندا

کار رفته،^{۴۳} الجایتو نیز در متون و کتیبه‌های دیگر از اشکال و صور معمولی که کنایه از سرزمین اعراب و ایران بوده استفاده کرده است.^{۴۴} این عبارت: «مشرق زمین و چین» احتمالاً دلالت بر آشتی و صلح میان اعقاب چنگیزخان دارد که الجایتو در نامه سال ۱۳۰۵ میلادی به فیلیپ‌پل،^{۴۵} به آن اشاره نموده است. معاهده صلح مزبور چهل و پنج سال جنگ و خونریزی میان شاهزادگان مغول را متوقف و وحدت و مرادوده میان چین تا دریای تالورا برقرار ساخت. این صلح پیشنهادی تاحد زیادی برای ایلخانان که در اثر درگیریهای نظامی مستمر ضعیف و ناتوان شده بودند، بسیار سودمند و نافع بود. تا امروز نامه سال ۱۳۰۵ میلادی تنها سند معتبر و اصلی مغولان بود که به این قطعنامه اشاره داشته، لکن کتیبه بسطام حاکیست که صلح مزبور حداقل تا ماه رجب سال ۷۰۸ هـ / دسامبر ۱۳۰۸ - ژانویه ۱۳۰۹ میلادی برقرار بود. به هر حال این نظریه نیز بزودی منسوخ شد، زیرا کتیبه قرآنی ۷۱۰ هـ نیز از عنوان شاخص «سلطان و سلاطین عجم» استفاده نمود.

این عنوان، بعداً همانند تأکیدهای قبلی مبنی بر سرکوب دشمنان با بی‌ثباتی زمان ارتباط داشته، و این‌گونه تداعی می‌کند، که برخی از نیروهایی که نهایتاً موجب تضعیف و تهدید اریکه قدرتمند ابوسعید را فراهم می‌آوردند، هنوز در اوایل قرن هشتم هجری در فعالیت بودند. بنابر این، این کتیبه‌ها در دو موضوع و برای حصول یک تصویر واضحتر از تاریخ معاصر مفید فایده است.^{۴۶} نخست اینکه آنها وقفه‌ای خاص و تغییر نیافته از زمان را تداعی کرده، در حالی که متون، بیانگر نمایی از عصر ترکیب آنها «درست شبیه آنچه که در رخدادهای واقعی نشان می‌دهد، هستند. بیوگرافی کاشانی از الجایتو که در سال ۷۲۵ هـ / ۱۳۲۵ میلادی نوشته شد، حاکیست که حوادث سال ۷۰۸ هـ / ۱۳۰۸ میلادی از یک فیلتر بیست ساله اطلاعات اضافی‌گذر کرده‌اند، موضوع دوم کتیبه‌هایی که از سوی دربار تحریر می‌شدند، همچون این مورد در بسطام از اسناد منحصر بفرد مربوط به شرایط و وضعیت تبلیغی دولت بوده و منظردای به دنیای رهبران مغول باز می‌نمود که انتظار داشتند، صرفاً خودشان دیده شوند، لذا ویژگیهای این‌گونه آثار تاریخی نوعی تعادل لازم به تاریخ لفظی (متنی) بخشیده‌اند.

(چوپان خراسان) تسمیه گردید. البته بعداً نیز به جهت حسن تعبیر و شگون نیک‌نام و به خدایانده تغییر یافت.^{۵۳}

واژه دوم تصویر ۵۷ برای توضیح قدری دشوار است. زیرا تا حدودی خالی از ظرافت است و در هم نوشته شده و ما بین دو شبکه عمودی متقاطع نیز روزه‌ای وجود دارد، و خطوط افقی نیز چندان واضح نیستند. اگر چه با اطمینان چندانى سخن نمی‌توان گفت، لکن به احتمال بسیار قوی واژه «شال» (shal) که معنای والایی نزد مردم نایمن (Naiman) داشته، منظور بوده و رشیدالدین نیز آن را به عنوان شاهزاده^{۵۴} (Prince) برگردانده، و استفاده کرده است. در این حالت و مورد نیز باید واژه مرکب بوکاشال (Buqushal) را شاید بتوان این طور تصور نمود، که کلمه «ابن» که واسطه و رابط تصاویر بعدی بوده در این میان حذف شده باشد. شاید یک عکس بهتر بتواند به کشف راز موردنظر منجر شود. عناوین مقدماتی برج هرگونه‌ای شبهه‌ای مبنی بر بنای آن به یاد بود یکی از پسران الجایتو را مردود می‌داند. در حقیقت در سال ۱۹۲۵ ارنست هرتسفلد نیز به همین نتیجه دست یافت، زیرا براساس لیستی که وی از کتیبه‌های کوفی ایران تدارک دیده بود، بنای برج کاشانه بسطام را در سالهای ۷۰۸ هـ ق ثبت نموده و آن را به نام یکی از فرزندان شیرخوار (کودک) الجایتو شناسایی کرده بود.^{۵۵}

لذا نام هر سه پسر ایلترمیش حاکی از علاقه وافر الجایتو به بایزید بسطامی بوده و تاریخهای قید شده در متون اشاره محتمل دارند براینکه امکان دارد، دلیل بنای ساختمان برج محمد طیفور باشد. اگر چه او جوانترین فرزند الجایتو (ایلترمیش) بوده، لکن فرزندی بود که بگام مرگ فرو رفت. این واقعه برای الجایتو دلیل بسیار مناسبی جهت انتخاب محل دفن محمد طیفور در بسطام بوده است.

۴- هنرمندان (معماران):

دو هنرمند از یک خانواده کتیبه برج مقبره‌ای را امضاء نموده‌اند، پدر؛ حسین بن ابی‌طالب دامغانی، که ردیف تحتانی را امضاء کرده، و پسرش محمد بن حسین ابی‌طالب دامغانی که ردیف فوقانی را امضاء نموده است. پسر نام خود را چهار بار دیگر در بناهای مختلفی در بسطام ثبت کرده است.

۱- یک ردیف کتیبه تاریخ ۷۰۲ هـ ق / ۳-۱۲۰۲ میلادی، در

اطراف اولین اتاق صومعه بایزید با عبارت «عمل محمد بن ابی‌طالب معمار (المهندس) و سازنده (البناء) دامغانی امضاء شده است.^{۵۶}

۲- طاق قوسی محراب مسجد بایزید، در مجاورت مقبره بایزید نیز به طور واضحی عبارت فوق تحریر گردیده است.^{۵۷}

۳- به دنبال آیه‌الکرسی (قرآن ۲: ۲۵۵) سطر فوقانی اطراف طاقچه سر در که از مسجد جامع به برج مقبره‌ای امتداد دارد (ایوان برج کاشانه)، دارای امضاء مشابهی است با اضافه این عبارت که «خداوند او را پدر مادر او و همه مؤمنین را بیامرزد».^{۵۸}

۴- یک ردیف کتیبه (کتیبه نواری) مربوط به سال ۷۱۳ هـ ق / ۱۳۱۲ میلادی در اطراف راهروی ورودی (ایوان شرقی) که به صحن مقبره بایزید منتهی می‌شود؛ تحت عبارت «عمل محمد ابن الحسین الجصاص دامغانی» امضاء شده است.^{۵۹}

برادر محمد، حاجی نیز از هنرمندان مشهور بوده و کتیبه سال ۷۰۲ هـ ق / ۳-۱۲۰۲ میلادی موجود در صومعه (توحیدخانه) بسطام را به علاوه یک کتیبه گچبری شده در خرابه‌های یک مسجد بسیار کوچک که در کنار عمارت پیر علمدار در دامغان واقع بوده امضاء نموده است.^{۶۰}

این گنجینه امضاء شده در بسطام حاکی از دو نتیجه فراتر است؛ نخست تداعی وجود یک وجه تمایز تخصصی و شیوه‌ای میان اثر پدر، حسین و فرزندش محمد را نموده، به نحوی که غالب پانلهای برج مقبره‌ای به سبک کوفی بسیار عالی و یکنواختی تحریر گردیده است. این پانلها بصورت افقی به سه بخش تقسیم‌بندی می‌شوند؛ یک بخش تحتانی که حاوی اشکال اصلی و اساسی حروف است و ندرتاً با یکدیگر تداخل پیدا می‌کند (تنها مورد استثناء را در گروه میان دو واژه (Lams) و (Allah) در پانل شماره ۴۵ مشاهده می‌کنیم). بخش میانی که در آن ساقه‌های حروف درهم متداخل شده و بالاخره بخش فوقانی که ساقه‌های حروف آن پس از تداخل حالت گل و بوته به خود می‌گیرند. بطور کلی حروف اصلی صرفاً یک سطر را اشغال می‌کنند. گاهی، وقتی فاصله میان حروف از میان می‌رود، آنها از سمت راست پانل با زاویه ۹۰ درجه به بالا صعود کرده، مثل «الشریفه»، در پانل ۱۲ و به واژه السعید» در پانل ۵۵ و بعضاً در سطر دیگری درست بالای خط اول جاگیری می‌نماید، درست مثل کلمه رجب در پانل شماره

۵ یا در موارد امضاء نویسنده هنرمند حسین ابن ابی طالب یعنی واژه‌های (المهندس الدامغانی) (پانلهای شماره ۹-۸).

به هر حال هشت پائل در کتیبه ردیف فوقانی (پانلهای ۶۰-۵۳) به نحو بارزی با یکدیگر اختلاف سبک دارند، این پانلها به صورت متراکم از حروف پر نشده و تقسیم‌بندی سه‌گانه فوق‌الذکر نیز چندان مشخص و واضح نمی‌باشد. دنباله (ساقه) حروفی همچون «را» «دال» و «واو» و «نون» و «جیم» نیز خیلی سریع متوجه پایین پائل می‌شوند، بعضی از کلمات دارای نقطه هستند و در یک حالت کلی، حروف تا اندازه‌ای لاغر و باریک شده‌اند. پایان این پانلها با عبارات قرآنی و نام پسر، محمد بن حسین اختتام می‌پذیرد. از نظر سبک و روش هنری بین حروف با سایر کتیبه‌های مغولی (ایلخانی) در بسطام نزدیکی و تجانس برقرار است، و در دو دسته مشخص تقسیم (طبقه‌بندی) می‌شوند، نوعی از آنها انحاءدار تار عنکبوتی، با ساقه‌های قطور و یک دستخط ظریف در چهارچوب و قاب سطور استفاده شده است.^{۶۱} در کل همه این کتیبه‌ها و هشت پائل مجزا از برج مقبره‌ای، همگی نازک و ظریف و به طرز مخصوصی نوشته شده‌اند، در حالی که پانلهای دیگر برج از یکنواختی و تعادل بیشتری برخوردارند. در سطر و ردیفی که به سبک تحریر شده هنرمند پدر حسین با متانت و آرامش بیشتری نسبت به تحریر اغلب بخشهای کتیبه همت گماشته در حالی که پسرش محمد صرفاً در قبال تحریر خاص همان ۸ پائل فوق‌الذکر بعلاوه پانلی که در آن امضاء خود را ثبت کرده مسئولیت داشته است.

از نظر سبک و روش مهندسی، وجود امضاءهای مورد بحث در بسطام، هماهنگی و فعالیت مشترک هنرمندان این فن را در عهد مغولان تداعی می‌نماید.^{۶۲} قبل از هر چیز این موضوع، بر وحدت و خویشاوندی هنرمندان تأکید دارد. لذا در اینجا ما با هنرمند پدر و پسرش سروکار خواهیم داشت. این وابستگی فامیلی را در هنر سفالگری نیز ملاحظه می‌کنیم.^{۶۳} ثانیاً، حرکت و اقدام این هنرمندان بسیار واضح و مبرهن است، زیرا نام خانوادگی «دامغانی» و امضاء یکی از پسران در یکی از مساجد محلی دامغان که مشترکاً کار شده و حاکی از همکاری اعضاء هنرمند خانواده است، و امضاء هر سه عضو خانواده در یکی از بناهای حکومتی بسطام وجود دارد. در حدود ۸۵ کیلومتری آن میزان تلاش و حمیت هنرمندان را در عهد مغولان نشان داده، و اتفاق نظر آنان را

در طرحهای ویژه تداعی می‌نماید. از جمله موارد متداول و معمولی، اشاره به دو تن از هنرمندان است که در یک مجموعه پیچیده و معاصر بسطام دوره مغولان شهر نطنز همکاری کرده، حسن بن علی احمدبابویه را در اتاق مقبره نطنز و نیز سردر محراب امامزاده ابوالفضل و یحیی را به سال ۷۳۸ ه. ق / ۸-۳۳۷ میلادی در شهر محلات و یک محراب کاشیکاری شده را در موزه شهر اصفهان امضاء نموده است. و سید حیدر نیز ردیف گچبری زیر طاق ایوان شمالی مسجد نطنز و محراب با شکوه الجایتو در مسجد جامع اصفهان به امضاء رسانده است.^{۶۴} مورخ قرن دهم، دوست محمد، از حیدر که یکی از مشهورترین خطاطان زمان او بوده، یاد کرده است.^{۶۵} ثانیاً تمامی این نمونه‌ها حاکی از این حقیقتند که هنرمندان علی‌رغم شهرت لقبشان، مهارت کاملی نداشته، و معماران و مهندسين از هنر طاق‌زنی و خطاطی توأم برخوردار بوده، و خطاطانی که در کار طاق و کاشیکاری فعال بوده‌اند، روی کتیبه‌ها نیز کار می‌کردند.

۵- آیات قرآنی:

ردیف فوقانی اطراف برج کاشانه بسطام دارای هفت آیه نخست سوره ۴۸ قرآن کریم، مبحث پیروزی است. این آیه‌ها بیشتر به فتح خدا در مورد تنبیه کفار، بت‌پرستان و منافقین اشاره داشته، و از حمایت الهی به نفع مؤمنین و وعده‌های بهشتی سخن می‌گوید. ایده فتح و نصر را می‌توان در یک جمله با مفهوم عمومی از پیروزی اسلام و مسلمین الهام گرفت، به همین منظور از این آیات در بنای مساجد استفاده شده است.^{۶۶} به هر حال از این آیات در زنده نگهداشتن خاطره فتوحات ویژه نیز استفاده می‌کنند. به عنوان مثال با تحریر آنها روی عمارت پوئرتا دل وینو (Puerta del vino) در الحمراء بر شأن بنای ساختمان به عنوان یک طاق یاد بود پیروزی، دلالت می‌کند. فتح و گشایش بی‌نظیر مسلمانان در قرن هشتم میلادی را در اسپانیا بزرگ می‌دارد که طی آن الجزایر به دست مسلمین فتح گردید.^{۶۷} مشابه این گونه آیات که در قلعه نظامی قاهره سال ۵۷۹ هجری ملاحظه می‌شوند، حکایت از قدرت و عظمت سردار اسلام صلاح‌الدین ایوبی می‌کنند، که فاطمیون را شکست داده است.^{۶۸} در بسطام نیز این پدیده عیناً به عنوان یک مدرک مستند دیگر که مؤید پیروزیهای نظامی الجایتو در گیلان است قابل مشاهده است.

به هر حال توصیف شاعرانه‌ای که از فردوس برین در آیه ۵ شده، باعث گردید تا این کتیبه به عنوان یک جمله متداول برای آرامگاهها، مورد استفاده و تحریر واقع شود، همانطور که در بارگاه حضرت رضا (ع) و آرامگاه گوهرشاد در هرات، و ساختمان باشکوه تاج محل^{۶۹} هندوستان شاهد آن هستیم. این مفهوم و معنای دوم شاید علت و فلسفه وجودی برج مقبره‌ای را خاطر نشان ساخته و به طور مضاعف دلیل غائی انتخاب مضمون آیه را تداعی و تفهیم می‌کند.

در مجموع این کتیبه که در اطراف برج مقبره‌ای بسطام باقیمانده یکی از مدارک و اسناد تاریخی مهم و یک سند هنری قابل ستایش از دوره ایلخانان مغول تلقی می‌شود. از یک سو اطلاعات متقنی همچون: تاریخچه، شخصیت یک فرمانروا، شناخت فلسفه حاکم بر ساخت بنا بعنوان برج مقبره فرزندی یک سلطان و نمونه‌ای از امضاء نویسنده و هنرمند آن را در اختیار ما می‌گذارد، لکن مفاهیم دیگری که از آن استنتاج می‌شود، دلالت بر مراحل و شرایط اجتماعی حاکم بر زمان مغولان دارد. از دیگر فواید آن، تأکید و تأیید روابط و ارتباطات میان دربار شاهی و مکتب صوفی‌گری است، و نشان می‌دهد که این بنا نه تنها جزء مجموعه تاریخی بسطام است، و در زمان سلطان ایلخان الجایتو (آنطور که کتیبه ۷۱۳ ه. ق / ۱۳۱۳ هجری دلالت دارد) ساخته شده، بلکه گویای این حقیقت است که الجایتو خود شخصاً تولید آن را بر عهده داشته است.^{۷۰} این کتیبه ضمناً نقش هنرمندان و مهارت‌های متنوع و القاب آنها را فاش ساخته است. درست و دقیقاً به عنوان نمونه‌های هنری معماری معاصر کتیبه تحریر شده اطراف برج بسطام از جمله اسناد اجتماعی - هنری موجود در مسیر مطالعه و فهم ویژگی‌های مختلف ایلخانان مغول در ایران محسوب می‌شود.

پی نوشت‌ها:

- 1 - J . B . fraser, Narrative of a journey in to khorasan. (سالهای 1821-1822) p. 340.
- 2 - Memoire suar la parte meridionale de l Asie centrale "recuei"
- ۳ - مطلع الشمس (محمد حسن خان صنیع الدوله)، تهران ۲ - ۱۳۰۱ / ۶ - ۱۸۸۳) جلد اول، ص ۷۹.
- 4 - from constant inople to the home of omar khayyam. p. 196 بنگرید
- 5 - Khorasan. Der Islam. XI (1921). p. 169
- 6 - RCEA - (FA . combe . J. sauvaget and G. Wiet . eds Re pertoire, chronologique, d. Epigraphie Arabej. IX (cairo 1937) n" 3211.
- 7 - The Photographic Survey of Persian Islamic Architecture. Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archacology. III 7 (1934). P. 32.
- 8 - Islamic Architrcuture. II Fourteenth Century Sumerey of Persian Art. A.U. pope and PH. Ackerman eds. London and Newyork 1939, 6 vols). II. PP, 1083-4 and IV. PI 349.
- 9 - The Architcture of the Islamic Period A Survey of Persian Art Islamic. VIII (1941), P.9.
- 10 - RC.EA. XIII (Cairo 1944). n". 512).
- 11 - The Architrdture of Islamic Iran: The It. Khanid Period Prinecton 1966. n" . 28.PP. 127 - 8.
- ۱۲ - تاریخ قومس، (تهران، ۱۳۴۴ / ۱۹۶۵). ص ۳۶۵. قرائت کتیبه به شرح ذیل است: «السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم مالک الرقاب الامم حامد... الله. حافظ بلاد الله ناظر عباد الله الموتمن... من الدنيا و الدين و الاسلام والمسلمین قانع العدو... دین ظل الله فر العالمین سلطان. «ملک عباد الحافظین بعنایت رب العالمین عمل محمد حسین بن ابیطالب دامغانی تاریخ... سبعمائة»
- ۱۳ - قرار دادن یک «فی» (در) اضافه، احتمالاً برای پرکردن جای خالی، اشتباهی که در این کتیبه عمومیت دارد. این امر در قاب ۴۵ نیز اتفاق افتاده است (بنگرید به زیر نویس بعدی).

جامع التواریخ رشیدی، (حافظ ابرو) چاپ دوم، به کوشش خانیا بیانی (تهران ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱) منبع ارزشمند دیگری است هر چند که حدود یک قرن بعد نوشته شده است. از این کتاب تحریری خلاصه شده بوسیله خانیا بیانی به فرانسه ترجمه و منتشر گردیده است:

Chronique. des Rois Mongols en Iran

۲۲- درباره سیاست های مالی ایلخانان بنگرید به:

Blair "the coinage of the later Ilkhans: a typological the Economic and social history of analysis" journal of the orient

که بزودی منتشر می شود.

۲۳- در مورد تغییر در سکه بنگرید: به همان اثر و به:

Blair . ibid. and Margaret Fearey, K Luther. and J. M. Ilkhanid Hoards. Proceedngs of the Smith. Jr. Two Enghth International Congress of Numisma tics, September 1973 (paris 1976). pp. 513 - 25.

درباره محراب اصفهان بنگرید

Mas Nan, Betchem. Tne inscription du Sultan mongol Harhig Deienboutg (Paris 1909).PP Uldjaitu. Melanges 367-78 and Wilber. Ilkhanid Period, n0 .48.

24 - Blair. Typological Analysis.

25 - Rasid al . Din, Geshichte Gazan - Hans, Ta rih - i Jahn, (Leiden 1940). pp. 324 - 5 The educt - Gazani, ed. Ilkhanid period, p. 190. k. us also mentioned in Wilber, این فرمان به وسیله دونالدویلبر، نیز ارائه شده است:

Wilber, Ilkhanid. period p.190)

۲۶- بوسیله رشیدالدین در تاریخ غازان خان توصیف شده (صص ۱۷-۲۰۷)، و Wilber, Ilkhanid. period no .27)

27 - Wilber, ibid . n" . 49 . and Sheila Blair. "The Sultaniyya" . Islamic Art. Inscriptions of the Tomb of at (forthcoming).

28 - Blair, "Typological Analysis".

29 - Wilfred Madelung . "The Assumption of the Title Buyids and The Reign of the DaylamShahānshāh by the Eastern Studies.(Dautal at - Daylam). Journal of Near

۱۴- در قاب کتیبه، به روشنی خوانده می شود. «الله فی» در متن این معنی را نمی دهد و فقط تکراری از الله در قاب قبلی است، به علاوه یک «فی» همانند زیرنویس بالا.

۱۵- استفاده «لاجل» (برای) روی یک نوشته (کتیبه) همزمان روی یک سقاخانه در حلب مقابل مشاهده است: در سال ۷۶۵ / ۱۴۶۴ م. زائری بنام «رجب» نواده یک بازرگان ایریشم اهل سیواس دستور داد برای (لاجل) محمد زائر پسرش، غصطل حرب خانه بسازند (بنگرید).

16 - Gaston wiet. CIA.. egrpte 2. MIFAO.. 52 (cairo 1929). p.37.

17 - Ibid . p. 121.

۱۸- یک بررسی سریع در «RCEA XIV» به عنوان مثال: در هفته مورد واژه «عام» را نشان می دهد. شانزده مورد از مغرب است (هفت مورد از اسپانیا، چهار مورد از مراکش، چهار مورد از الجزایر و یک مورد از تونس) در صورتیکه صرفاً یک مورد (RCEA,5545) از آنسوی اردن است.

19 - the travels of Ibn Battuta. ed. and tr. H.A.R Gibb , III p. 585.

۲۰- شرح حال این چهره برجسته هنوز به طور کامل در دست نیست. در حال حاضر مقالات و نوشته های مختلفی را درباره او می توان دید. بنگرید به:

(CAJ central Asiatic journal . XIV. 1 - 3)

نگاه کنید به کتابشناسی ذیل J.A.Boyle

۲۱- آنچه که بیش از همه درباره تاریخ ایلخانان در دسترس است. بخشهای مربوط به همراه کتابشناسی آنها است در: CHI (the cambridge history of Iran) vd.v. منابع مهم دست اول برای حکومت اولجایتو شامل آثار گوناگون رشیدالدین (جامع التواریخ، به کوشش: ۱. علیزاده، ترجمه A.K. Arends، باکو ۱۹۵۷): مکاتبات رشیدی، چاپ شفیع (لاهور ۱۹۴۸) و با تجدید نظر محمدتقی دانش پژوه: لسوانح الانکار رشیدی (تهران ۱۳۵۸ ش / ۱۹۷۹): شرح حال رسمی اولجایتو نوشته ابوالقاسم عبدالله بن محمدالقاشانی به نام تاریخ الجایتو، چاپ: م حمیلی (تهران ۱۳۵۸ شمسی / ۱۹۷۹ م) و تاریخ و صاف، چاپ سنگی (بمبئی، ۱۲۶۹ / ۵۳-۱۸۵۲ و تهران ۱۳۳۸ / ۱۹۵۹) و تحریر تاریخ و صاف، به کوشش عبدالمجید آیتی (تهران ۱۳۴۶ / ۱۹۶۷) ذیل

۴۰- ابوسعید، نمونه D بنگرید: Blair .

analysis

۴۱- شمایل‌شناسی دقیقاً در اثر p. 22 Baer "Nisan Tasi"

23 - به طور کامل شرح داده شده است.

۴۲- این تغییرات عمودی در شمایل‌شناسی قراردادی برای

یادآوری اتفاقات و رخدادها تاریخی یعنی در همین دوره در یک

تابلوی نقاشی دیده می‌شود. بنگرید به تجزیه و تحلیل

شمایل‌شناسی شاهنامه معروف به demotte در: Grahar and

Blair, Epic Images and contemporary history ... p. p 13 -

27

۴۳- همان مأخذ، کاشی، ۱۶.

۴۴- RCEA, 4843,5491

۴۵- مطابق روایت قاشانی (تاریخ اولجایتو، صص ۴-۳)

اولجایتو، سلطان السلاطین الترك و العجم است. در نسخه قرآن

خطی مورخ ۷۱۰هـ / ۱۳۱۰م. در موزۀ بریتانیا (Browne)

Literary history, iii, p 1,7) و کتیبه بسطام مورخ ۷۱۳هـ / ۱۳۱۲

م (RCEA, 5377) او سلطان السلاطین العرب و العجم است. یک

کاسه مسین در قاهره (RCEA, 5377) به گونه‌ای دیگر (ملک

ملوک الطوائف العرب والعجم است.

46 - Antoine Mostaert and Francis Cleaves, Les

Lettres de 1289 et 1305 des Ilkhans Arun et Oljeitu a

phlippe le Bel Cambridge. Ma; 1962), p. 5 and note 19

and pp. 55-6.

۴۷- برای توجیهی مناسب از خط‌شناسی مستند بنگرید به:

Berehem. [CIA, Egypte] MIFAO, XIX p.p V - VII

۴۸- در کتیبه ورودی درگاه ورودی مسجد شاه اصفهان،

شاه عباس لقب «تراب العتبة المقدسه النبویه» را برای خود آورده

است (لطف‌الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم،

تهران، ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۱ م) ص ۴۲۹. عبارت «تراب العتبة» با

خاتمه‌های مختلفی در جای دیگر آورده شده است.

۴۹- قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۲۳۸.

۵۰- همان مأخذ، صص ۴۳-۴۲، حافظ ابرو حتی نام او را ذکر

نکرده است.

۵۱- قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۴۹.

۵۲- بسطام در سن دوازده سالگی در جمادی الثانی سال ۷۰۹

XXVIII (1969) pp - 84 - 108 and 168 - 83.

30 - Ibid p. 181.

۳۱- برای سکه‌ها بنگرید به Blair. "Typological analysis"

برای فلزکاری بنگرید به: (RCEA, 5376 and 5378) و درباره

متنها بنگرید به ابوالقاسم قاشانی «تاریخ اولجایتو، ص ۴-۳،

رشیدالدین فضل، جامع التواریخ، ص ۲ و در یک قرآن خطی مورخ

۷۱۰هـ ق / ۱۳۱۰م موزۀ بریتانیا (or, 4945)، برگ ۱ رو، که

تصویر آن را در کتاب براون می‌توان ملاحظه نمود:

Browne, A Literary History of persia, III

تصویر ۷، روبروی ص ۷۸.

۳۲- برای نمونه‌های خط‌شناسی بنگرید:

RCEA, 5478, 5590, 5915, 5698 برای نمونه‌های سکه‌شناسی

بنگرید به Blair "Typological Analysis"

۳۳- بنگرید RCEA, 5328

۳۴- بنگرید به تاریخ اولجایتو صص ۴-۳ و RCEA, 5328

35 - Elisseeff. la Thulature de Nural - Din "danres ses

Bulletin des - Etuds orientals, XIV. inscriptions"

36 - Eva Baer, The Nisan Tasi: S Study in Persian -

Kunst des Orients, IX (1975), pp. 1 -Mongol Metal Ware,

46.

که جایگزین آنچه که در این باره قبلاً منتشر شده مثلاً در

RCEA, 5699 است.

37 - Max van Berchem, CLA., Rgypte I. MIFAO; XIX

1903), P. 773 and not 32 and RCEA; 2752. (Cairo 1894 -

38 - Oleg Grabar, The Earliest Islamic

and Documents. ArsCommemorative Structures: Notes

Orientalis. VI (1966). pp. 27 - 9.

در حالیکه Caroline Williams معتقد است که این بنای

یادبودی برای شهدایی که در جنگ برای عقیده امام خود کشته

شده‌اند و یا زیارتگاهی است برای علویان یا مقدسین علوی که در

این صورت این بنا نه تنها برای یک یادبود گذشته است بلکه

هدیه‌ای برای آینده نیز هست "the Cult of Alid saints" Willams

Muqarnus, 1

(به زودی منتشر می‌شود).

۳۹- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، صص ۱-۱۶۰

بازنگری دارد. همچنین بنگرید به:
Wilber, Builders and Craftsmen of Islamic Iran:
Archaeological papers, x, pp.31-9.

که به نمونه‌های مختلف ایرانی می‌پردازد.
۶۵- برای مثال بنگرید به:

pope, "genealogical tables of the principal Farence
workers of Kashan" survey. II, p. 1666.

۶۶- درباره نطنز بنگرید به:

Blair, the shrine complex at Natanz Iran, chop. Iv, pp.
126-9

محراب گچی محلات بالا نیز بوسیله ویلبر منتشر شده است:
Wilber, "Ilkhanid period, no 44 and pls, 66 - 7
ویلبر فقط قاب‌های پائینی محراب را چنین قرائت نموده
«تاریخ سال و «هفت» و نتیجه می‌گیرد که این اشاره است به
تقویمی که غازان بنیانگذار آن بود و برابر ۷۰۸ است به هر حال
این تنها نمونه بنایی خواهد بود که با تقویم ایلخانی تاریخ گذاری
شده است. صرفاً درباره بررسی سکه‌های زمان حکومت
ابوسعید در سال ۷۳۰ / ۱۳۳۰ م ظاهر شده است. این تاریخ در
حقیقت هیچگاه مورد قبول عامه قرار نگرفت و این امر بوسیله یک
کتیبه در مسجد جامع اشترجان نشان داده می‌شود که روی آن
تاریخ سی و سه ایرانی و هفتصد غربی است
(Miles, "the Inscriptions of the Masjid - i-jami, at
Ashtargan" Iran, XII, no, H5, p. p 36 - 7)
یک سنگ قبر را به تاریخ ۱۸۶ ایلخانی و ۸۸۶ هجری منتشر نموده
است. (persian) Lustrewarele Mond Iranien et Islam, III,
p. 70 and note 16) به علاوه سطر آخر قاب مرکزی در محلات
نیز شامل کلمات «سی و شش» است. بدین وسیله تاریخ صحیح
در قاب عمودی در سمت راست پایین آغاز شده در عرض سطر
پایینی قاب مرکزی ادامه می‌یابد و سپس از قاب عمودی در سمت
چپ زیر پایین می‌آید به تاریخ سنه / سته ثلاثین / سبع مائه (تاریخ
سال / سی و شش / و هفت [صد]).

محراب کاشی دو آتش (زرین فام) از موزه مترو پولاتین
بوسیله جرج مایلز انتشار یافته است:

Miles, "Eplthaps from an Isfahan Graeyard Ars
Islamca, VI, fig - 12)

ه/ نوامبر - دسامبر ۱۳۰۹ م در آن مرد (قاشانی، تاریخ اولجایتو،
ص ۸۷ و حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص ۱۲۰) با یزید بن
اولجایتو در سن هشت سالگی در ذوالقعدة سال ۷۰۸ ه/ آوریل - م
۱۳۰۹ مرده است (قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۴۸ و حافظ ابرو،
ذیل جامع التواریخ، ص ۱۲۰).

۵۲- قاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۴۹.

۵۴- حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ، ص ۶۶، قاشانی (تاریخ
اولجایتو / ص ۱۷) نام دوم را «ماتمودان» آورده است. همچنین
بنگرید CHI, v, p 398

55 - Gerhard Doerfer, Die türkische und mongolische
Elemente im Neupersischen. Vol. 2, Akademik der
Wissenschaften und Literatur Veroffentlichung
Orientalischen Kommission Vol. 19 (Wiesbaden 1963).
P.318.

۵۶- در اینجا لازم است از پروفیسور Goseph Fletcher به
خاطر دقتی که در این مسئله به عمل آورده پیشنهاد کرده بلکه
شامل بخشی از نام باشد سپاسگزاری نمایم.

57 - M.B. Smith and Ernst Herzfeld "Imam zade
karrar at Buzun" A Dates Seldjūk, Ruin Archaeologische
Mitteilungen aus Iran. VII (1935). P. 81.

58 - RCEA, 5155.

۵۹- بنگرید به RCEA 5329 تحت عنوان سال ۷۱۳ / عکس
محراب در Wilber, Ilkhanid period survey IV Pl.393. and
PIS 36 - 7. منتشر گردیده است.

۶۰- هنوز منتشر نشده است

۶۱- بنگرید RCEA, 328.

۶۲- بنگرید به RCEA, 5155 - 5156 و همچنین بنگرید

Wilber, Ilkhanid period, no, 53 and pl. 113 .

۶۳- برای درک اهمیت موضوع به عنوان مثال کتیبه‌های
گونگون محراب مجموعه مقبره آرامگاهی را با یکدیگر مقایسه
کنید (Wilber, Ilkhanid period pls 36 - 7) کتیبه‌های قاب و
قوس نوع نخست خط ثلث، خط غیر کوفی را نشان می‌دهد در
صورتیکه نوار زیر طاق نوع دوم را مجسم می‌سازد.

۶۴- به طور کلی درباره این موضوع بنگرید به Meyer,
Islamic Architects and their works کتاب پیشاهنگی که نیاز به

(Ilkhanid period, pl 192) چاپ شده است.

69 - Oleg Grabar , the Alhombra (cambridge. Ma , 1978,)p. 152

70 - RCEA . 3380

۷۱- کتیبه‌ای از مشهد در RCEA. 6330 است، اطلاع درباره هرات شخصاً از (Bernard o'kane) کسب گردیده است. درباره تاج محل بنگرید به:

Wayne Begley, The Myth of the Taj Mahal and a new Symbolic Meaning, Art Bulletin, 61/1 Theory of its (March 1979) p. 36.

۷۲- درباره نقش تصرف در معماری ایلخانی بنگرید:

Lisa Golombek, The Cult of Saints and Shrine Fourteenth Century, Near Eastern Architecture in the andHistory: Numismatics, Leonography. Epigraphy Studies in Honor of George C. Miles, ed. D. Koumijian (Beirut 1974), pp. 419 - 30.

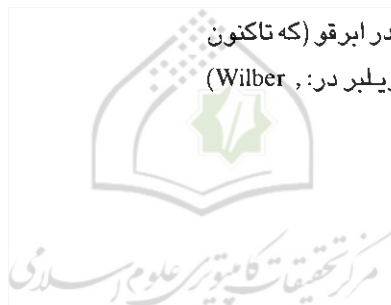
خانم "کارولین کین" که در بخش هنر اسلامی موزه متروپولیتن کار می‌کند، بایگانی موجود موزه را برای من بررسی کرد، معلوم شد که محراب از «مسجدی» نزدیک اصفهان در حدود سال ۱۸۷۹ میلادی کنده شده است.

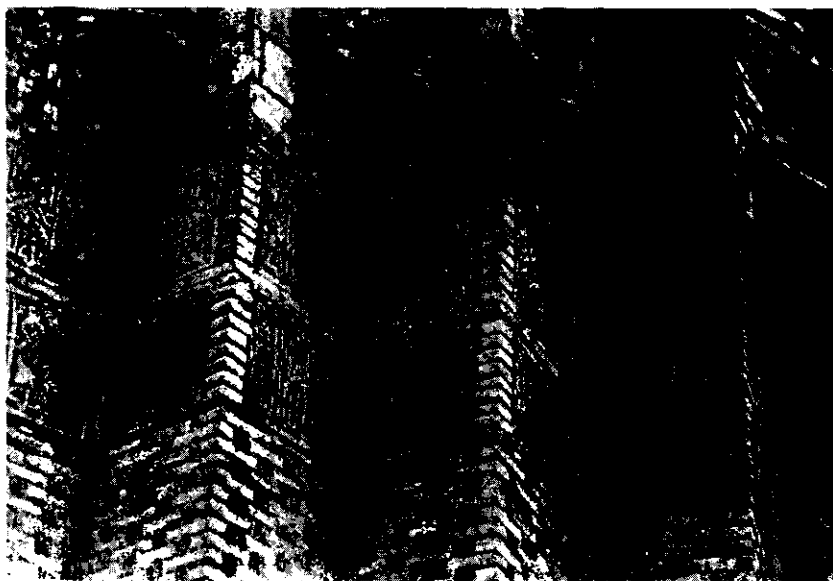
هنرفر (گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۱۲۱) کتیبه‌های محراب اولجایتو در اصفهان را منتشر کرده (ص ۱۲۱) وی در توصیفی که از کتیبه‌های نطنز نموده، امضای استاد کار مزبور را یادآوری نموده است (ص ۸۷۵، زیرنویس شماره ۱).

67- Qazi ahmad qomi , "calligraphers and painters and paintrrs., pp. 60-61

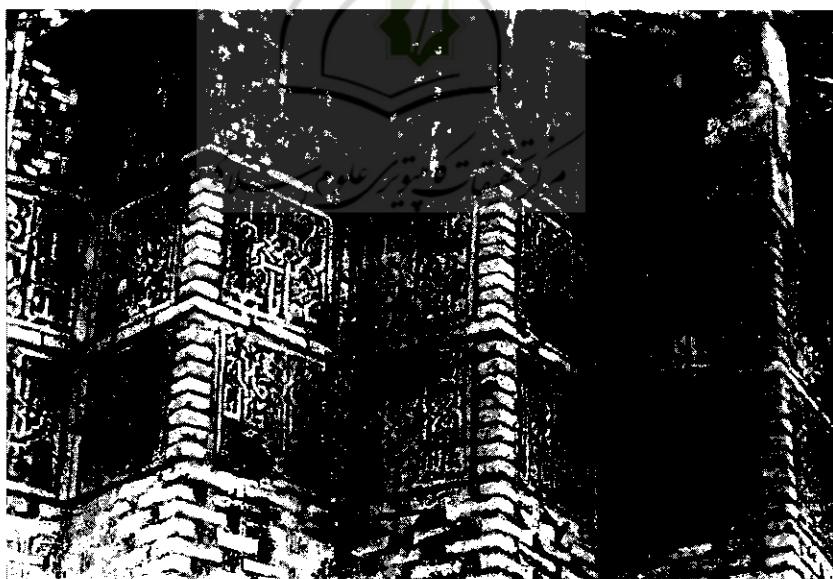
۶۸- به عنوان مثال آیه‌های سوره فاتحه بر روی منبر به تاریخ ۱۳۴۹ / ۷۵۰ مسجد منجک در قاهره قابل توجه است (RCEA. 6089). کتیبه اطراف گریو گنبد مسجد سلجوقی برسیان (smith, "material for a . corpus of Early Iranian Architecture ..." Ars Islamic , IV , p. 40)

و یا محراب گجبری به تاریخ ۱۳۳۸ / ۷۳۸ در ابرقو (که تاکنون منتشر نشده و تصویر آن به توسط ویلبر در: Wilber)

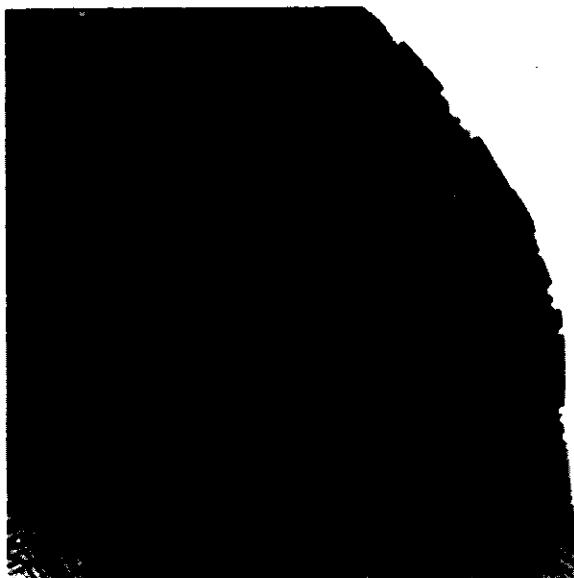




قالبندی کتیبه برج آرامگاهی کاشانه در بسطام - قاب ۱۶



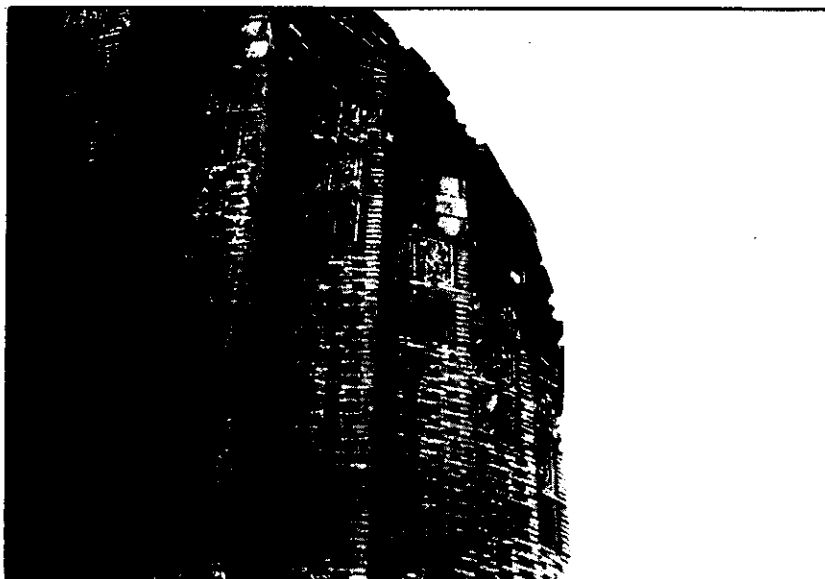
قاب ۵-۹



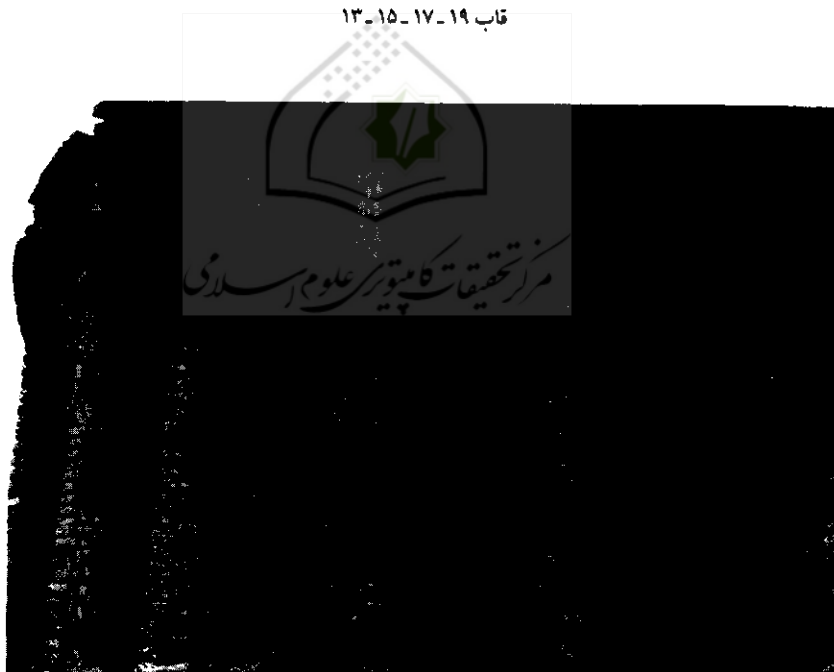
قاب ۹-۱۱-۱۳



قاب ۱۰-۱۲-۱۴



قاب ۱۳-۱۵-۱۷-۱۹



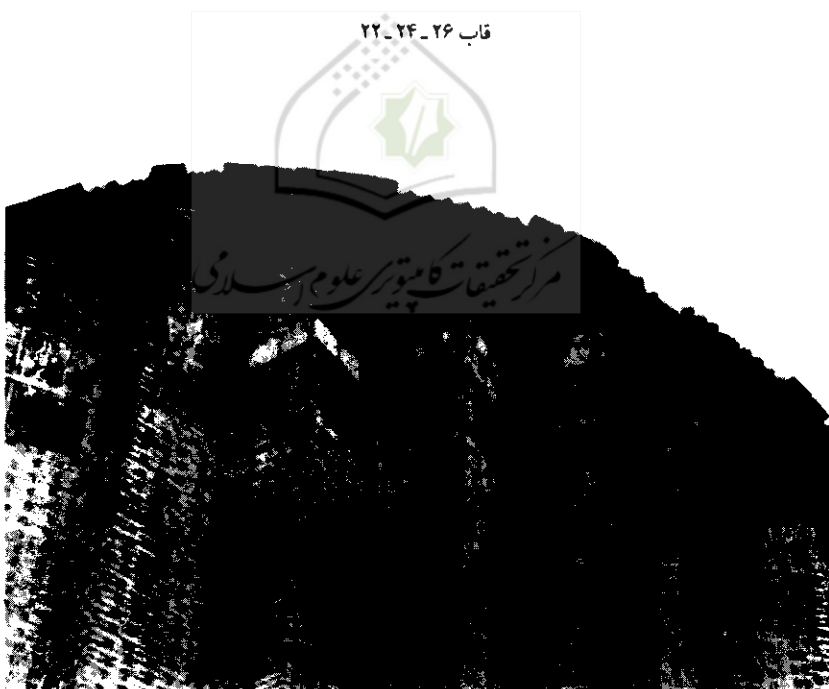
قاب ۱۵-۱۶-۱۸-۲۰



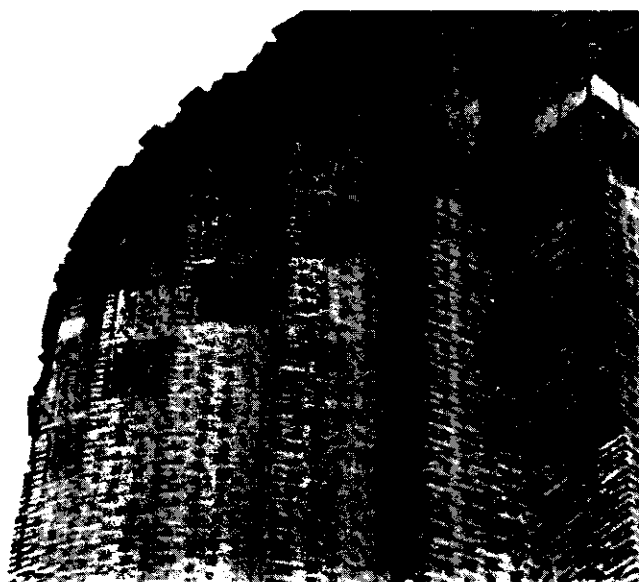
قاب ۲۵-۲۳-۲۱-۱۹



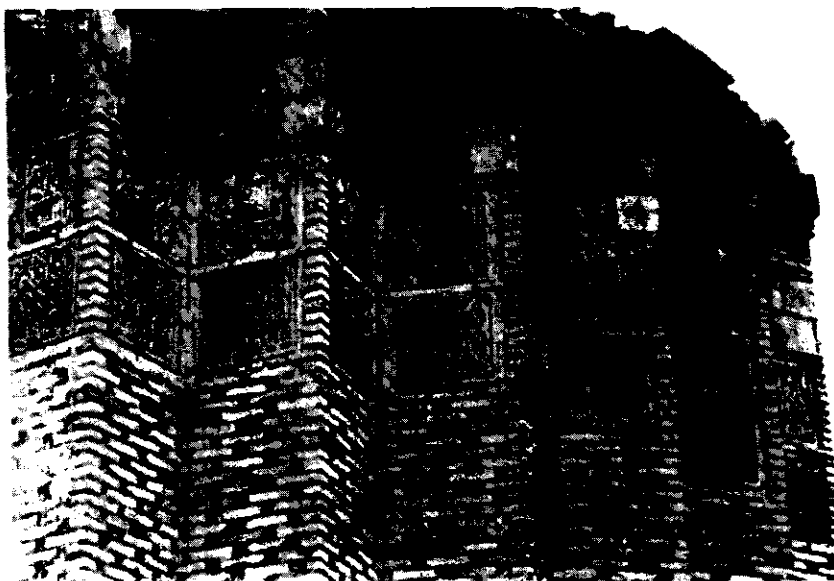
قاب ۲۶-۲۴-۲۲



قاب ۲۳-۲۵-۲۷-۲۹-۳۲-۳۴



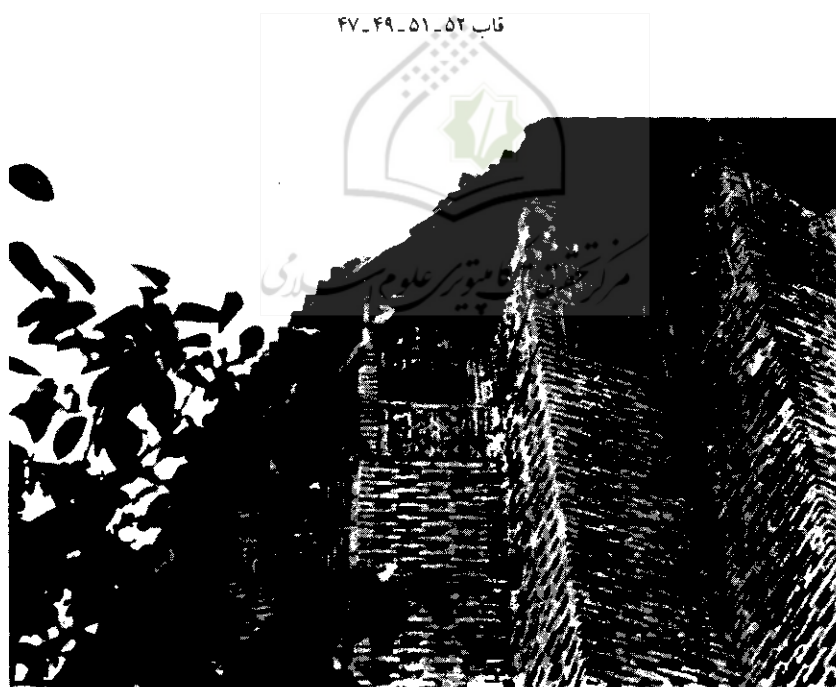
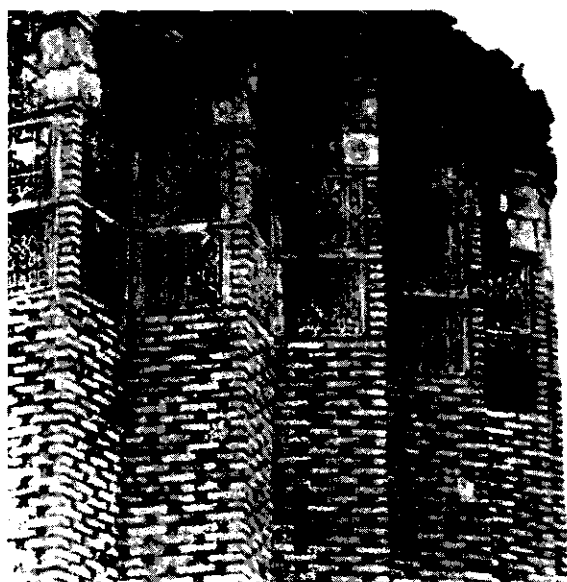
قالب ۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳



قاپ ۴۱-۴۳-۴۵



قاپ ۴۲-۴۴-۴۶-۴۸



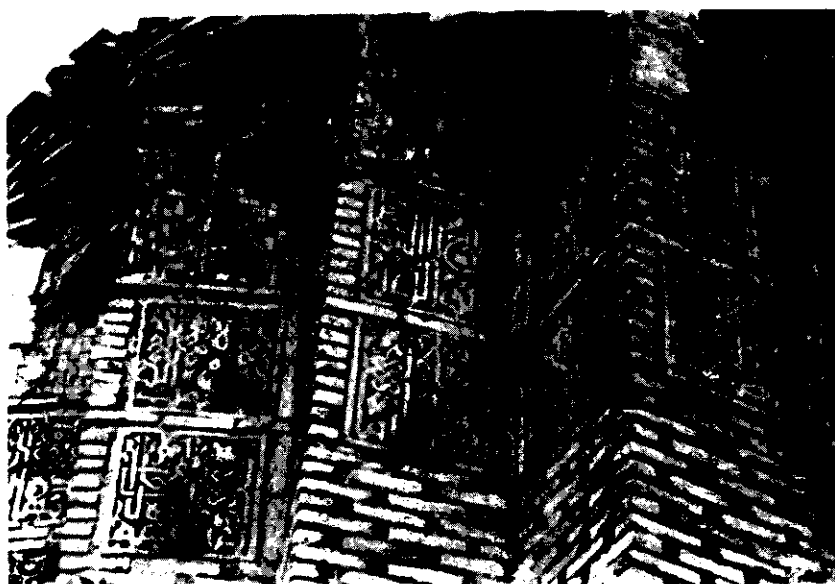
فاب ۴۸-۵۰



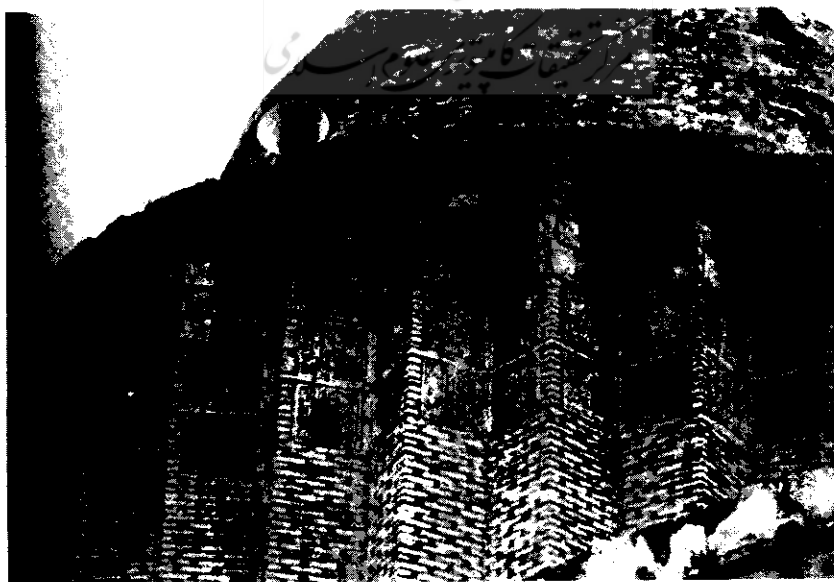
قاب ۴۷-۴۹-۵۱-۵۴



قاب ۵۸-۵۳-۵۵-۵۶



قاب ۶۲-۶۰-۵۸



قاب ۶-۴-۲-۶۰-۵۷-۵۵